

بررسی مقایسه‌ای دیدگاه تشیع و حقوق بین الملل درباره حفظ کرامت و حقوق کودکان با تأکید بر معارف و احادیث امام رضا(ع)

صغری صالحی^۱

حاکم قاسمی^۲

چکیده

حفظ کرامت کودکان به عنوان حق طبیعی، مبنای اصلی آموزه‌های دینی، و برخی اسناد بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک قرار گرفته است. نادیده گرفتن این حق، نقش بنیادین در ایجاد آسیب‌ها برای کودکان دارد. برخی از احادیث و سیره عملی امام رضا(ع) و برخی از مواد کنوانسیون حقوق کودک، بیانگر توجه به مولفه‌های کرامت‌بخش در کودکان است. پرسش اصلی این است که مولفه‌های کرامت‌بخش از منظر امام رضا(ع) و کنوانسیون حقوق کودک کدام است؟ و چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با هم دارند؟ از دیدگاه امام رضا(ع) و کنوانسیون حقوق کودک مؤلفه‌هایی مانند هویت، تربیت، امنیت، عدالت‌ورزی، آزادی‌خواهی و ظلم نکردن کرامت‌بخش وجود کودکان است. این دو دیدگاه، به لحاظ مبانی، روش‌شناسی، محتوا و ضمانت‌اجرائی تفاوت بنیادین دارند. مبانی اسلامی، ایدئولوژی سعادت‌محور، بیان ساده و فاقد ساختارهای پیچیده قانونی، روش‌شناسی متنوع، توجه به کرامت حقیقی، حقوق معنوی و تکلیف‌مداری تربیت کودک، تأکید بر خانواده و ضمانت‌اجرائی مبتنی بر ایمان، معنویت و جزای دنیوی و اخروی از جمله وجوه تمایز آموزه‌های رضوی درباره حفظ کرامت کودکان در مقایسه با کنوانسیون حقوق کودک است. به رغم شباهت‌ها، تفاوت‌های این دو دیدگاه درباره حقوق کودک نشان می‌دهد به لحاظ سطح ارزشی، مبانی، روش‌شناسی، محتوایی و... امام رضا(ع) سال‌ها قبل از تدوین کنوانسیون، معرفت‌شناسی جامعی از حفظ حقوق کودکان ارائه داده است. این مقاله با روش تحلیل محتوا به بررسی محتوای روایات به‌جا مانده از امام رضا(ع) درباره مولفه‌های کرامت‌بخش کودک و محتوای کنوانسیون حقوق کودک می‌پردازد و در چارچوبی مقایسه‌ای، مهمترین شباهت‌ها و تفاوت‌های دیدگاه تشیع (با تأکید بر روایات امام رضا(ع)) و حقوق بین‌الملل را مطرح می‌کند.

کلیدواژگان: کرامت کودکان، حقوق کودک، امام رضا(ع) و کنوانسیون حقوق کودک.

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
sosalehi19@yahoo.com

۲. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ع)، قزوین، ایران.

مقدمه

هر انسانی به سبب حب ذات، دوست دارد که مورد احترام واقع شود. کودکان نیز از این قاعده مستثنی نبوده و دوست دارند که مورد اکرام قرار گیرند. آموزه‌های دینی نیز به حقوق و کرامت کودکان توجه دارند؛ مصادیق آن را می‌توان در سخنان و سیره عملی پیامبران و ائمه معصوم^(ع) دریافت. سخنان و سیره امام رضا^(ع) در این باره از مواردی است که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. آموزه‌های امام رضا^(ع) برگرفته و بر مبنای قرآن کریم است، که به صراحت به کرامت انسان اشاره دارد: «ولقد کرمنا بنی آدم»؛ فرزندان آدم را گرامی داشتیم (اسراء/۷۰). این آیه کودکان را نیز شامل می‌شود؛ چه بسا کودکان به عنوان ضعیف‌ترین و حساس‌ترین قشر جامعه، مراقبت، حفظ حقوق و کرامت بیشتری را می‌طلبند؛ زیرا سلامت روحی و جسمی و حضور مفید و کارساز کودکان در آینده، ارتباط تنگاتنگی با برخورداری آنها از کرامت در دوران کودکی دارد. بنابراین، مباحث کرامت کودک از مسایل ریشه‌ای و با اهمیت است.

امروزه با گسترش تحولات و چالش‌های فراروی انسان مدرن، آسیب‌های بیشتری کودکان را تهدید می‌کند. بر همین اساس، مسایل حوزه کودکان مورد توجه بیشتر مکاتب حقوقی و اسناد بین‌المللی قرار گرفته است. به‌رغم آموزه‌های دینی و اسناد بین‌المللی که در راستای حقوق و کرامت کودکان تدوین شده است، اما همچنان کودکان از آسیب‌هایی مانند آزارهای روحی و جسمی، خشونت‌ها و تجاوزهای جنسی، هرزه‌انگاری‌های مجازی، اجبار به کار و بهره‌کشی اقتصادی و... رنج می‌برند که نماد نادیده گرفتن کرامت و حقوق کودکان است. بنابراین، بررسی مؤلفه‌های کرامت‌بخش به‌عنوان بخشی از حقوق کودکان، ضرورت بسیاری دارد.

هدف این مقاله، شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های کرامت‌بخش در کودکان با تاکید بر آموزه‌های امام رضا^(ع) و کنوانسیون حقوق کودک است تا در حد امکان زمینه‌شناسایی آسیب‌های ناشی از نادیده گرفتن کرامت و حقوق کودکان و راهکارهای کاستن از این آسیب‌ها در جهان امروز فراهم شود. سوال اصلی این است که بنابر معارف و روایات امام رضا^(ع) و کنوانسیون حقوق کودک، مؤلفه‌های کرامت‌بخش به‌عنوان بخشی از حقوق کودکان کدامند؟ و این دو دیدگاه چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با هم دارند؟

۱. پیشینه تحقیق

درباره حقوق کودکان با زاویه دیدهای متفاوت، پژوهش‌هایی انجام شده است که از جمله آن‌ها

می‌توان به کتاب حسینی اکبر نژاد و محبی (۱۳۹۲) با عنوان «تحلیل کنوانسیون حقوق کودک (مقایسه دو نظام اسلام و غرب)» اشاره کرد؛ در این اثر، بر اساس مفاد کنوانسیون حقوق کودک، به حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودک و نیز حقوق و مسئولیت‌های والدین پرداخته شده و در ذیل هر موضوع دیدگاه اسلام نیز بررسی شده است. در اثر معروف محمدتقی فلسفی (۱۳۸۵) با عنوان «کودک از نظر وراثت و تربیت» به مؤلفه‌های تربیتی کودک از نظر اسلام پرداخته شده است. یک بخش نیز به نظر اسلام درباره تکریم کودک اختصاص یافته و مواردی مانند ارزش تربیت کودک، مفاسد سوء تربیت، اجتناب از تحقیر کودک، روش پیامبر در تربیت کودک و... مطرح شده است. در این بخش بیشتر به روایات پیامبر استناد شده و از امام رضا (ع) حدیثی بیان نشده است. احمدی نژاد، امین‌الرعا یا و گنج‌بخش (۱۳۹۵) در مقاله «برده‌داری سنتی و مدرن در حقوق بین‌الملل و اندیشه اسلامی؛ با نگاهی به وضعیت زنان و کودکان»، به معضل «قاچاق انسان» به‌ویژه زنان و کودکان در سطح جامعه بین‌المللی پرداخته و برای تبیین مسئله چالشی برده‌داری در اندیشه اسلامی، دیدگاه‌های اسلام شیعی را با استناد به قرآن و احادیث شیعی بررسی کرده است. زرنشان و رضوانی مفرد (۱۳۹۶) در مقاله «حمایت از حق تغذیه کودک با شیر مادر در اسلام و نظام بین‌المللی حقوق بشر»، صرفاً قوانین حمایتی «تغذیه کودک با شیر مادر» را بررسی کرده است. غلامعلی و جعفری (۱۳۹۹) در مقاله «مؤلفه‌های حقوق شهروندی کودکان در سیره رضوی»، مؤلفه‌ها و عناصری مانند اصول تغذیه و بهداشت فردی و خانوادگی، فراهم شدن آرامش و آسایش در خانه، دین‌محوری، آموزش و تربیت عقلانی کودکان، آموزش دوستی و امید به آینده را جزو حقوق شهروندی کودکان مطرح کرده و بر اساس سیره رضوی توصیف نموده‌اند. نیکنامی، آقایایی و کاظمی (۱۳۹۲) در مقاله «خشونت خانگی؛ نقض کرامت ذاتی کودک و راهکارهای مقابله با آن در اندیشه حقوقی اسلام»؛ خشونت جسمی و روانی را بررسی و به آیات قرآن و روایات پیامبر استناد کرده‌اند. پژوهش‌های انجام شده، بیشتر بر احصای حقوق کودکان و لزوم اجرای آن به‌لحاظ قوانین حقوقی داخلی و بین‌المللی تمرکز کرده‌اند. اغلب این آثار، به نمونه‌ای خاص از مصادیق حقوق کودکان پرداخته‌اند. در بررسی دیدگاه اسلام نیز اغلب به آیات قرآن و روایات پیامبر (ص) استناد شده است. نوآوری مقاله حاضر، پرداختن به مؤلفه‌های کرامت‌بخش در کودکان به‌طور خاص و بررسی تطبیقی این مؤلفه‌ها با تأکید بر آموزه‌های امام رضا (ع) و کنوانسیون حقوق کودک است.

علاوه بر این، این اثر، نگرش کرامت بخش به مصادیق حقوق کودک دارد؛ با این پیش فرض که کرامت کودک مقدم بر حقوق اوست و به آن رسمیت می بخشد.

۲. روش پژوهش

روش پژوهش، تحلیل محتوا و بررسی مقایسه‌ای است. تحلیل محتوا، روشی نظام مند است که نتایج معتبر و قابل تکرار را از داده‌ها و متون استخراج می کند و به واسطه آن مشخصات خاص پیام به طور واضح و دقیق بیان میشود. «هولستی»، تحلیل محتوا را فنی برای یافتن نتایج پژوهش از طریق روش‌های عینی و منتظم، با حفظ ویژگی‌های پیام‌ها می داند. این تعریف، سه معیار را به هم پیوند می دهد: این که روش تحلیل محتوا باید عینی و منتظم باشد و اگر قرار است از باز یافت داده‌ها، فهرست بندی یا اقدام‌های مشابه متمایز شود، باید پشتوانه نظری داشته باشد (هولستی، ۱۳۸۰: ۳۸). با تحلیل محتوا، پژوهشگران به آزمون دستاوردهای ارتباطات اجتماعی انسان‌ها با اتکا به اسناد (نوشته و نانوشته) می پردازند، و محتوای نامه‌ها، دفترهای خاطرات، مقاله‌ها، مجله‌ها، صورت جلسه‌ها، کتاب‌ها و روزنامه‌ها، اشعار، ترانه‌ها، نقاشی‌ها، سخنرانی‌ها، قوانین و هر نوع متن و سند دیگری را تحلیل می کنند. لذا هم روشی برای تحلیل داده‌ها و هم روش مشاهده اسناد است، اما به جای مشاهده مستقیم رفتار مردم یا پرسش درباره آن، به ارتباط‌هایی که آنان به وجود آورده و پیام‌هایی را که رد و بدل کرده‌اند، توجه می کنند و آن را مورد پرسش و ارزیابی قرار می دهند (صدیق سروستانی، ۱۳۷۵: ۹۱-۱۱۳).

در کنار تحلیل محتوا، این پژوهش، از روش مقایسه‌ای نیز بهره می گیرد. روش مقایسه‌ای «برای مطالعه تنوع؛ یعنی الگوهای شباهت‌ها و تفاوت‌ها» کاربرد دارد (راگین، ۱۳۸۸: ۱۰۶). این روش می تواند جنبه‌ها، مسائل و مفاهیم مختلفی را در برگیرد و سبب افزایش شناخت نسبت به اندیشه‌ها و قانونمندی حاکم، از طریق بررسی مبانی آنها شود. همچنین، کارکردی اساسی در کشف و ارزیابی نقاط قوت و ضعف آراء و مکاتب مختلف نسبت به یکدیگر دارد. این روش، بر حسب ماهیت ترکیبی مطالعات مقایسه‌ای صورت‌های مختلفی می یابد؛ گاه با کشف تفاوت‌های پدیده‌های تقریباً مشابه در پی عواملی است که «حضور و غیبت‌شان با حضور و غیبت آن تفاوت‌ها هماهنگ است و می تواند به منزله علل پدیده مورد تبیین نامزد شوند» (لیتل، ۱۳۷۳: ۴۵). گاه تاکید روش مقایسه‌ای بر شباهت‌هاست تا از آن طریق، دست به تعمیم، تقریب و

سازگاری بزند. گاه برای کشف برتری و یا فروتری امری و با هدف مطابق کردن امر فروتر به برتر مقایسه صورت می‌گیرد؛ مانند آنچه در مقایسه رویکردهای شرق‌شناسی و غرب‌شناسی انجام می‌شود (دالمایر، ۱۳۸۴).

در این پژوهش، با روش تحلیل محتوا، روایات امام رضا (ع) و محتوای کنوانسیون حقوق کودک بررسی و مولفه‌های کرامت‌بخش و حقوقی کودک استخراج می‌شود. سپس، برای نشان دادن وجوه افتراق و اشتراک دیدگاه اسلامی (با تأکید بر معارف و روایات امام رضا (ع)) و نگرش غربی (کنوانسیون حقوق کودک)، مقایسه تطبیقی انجام و مهم‌ترین شباهت‌ها و تفاوت‌ها مطرح می‌شود.

۳. چارچوب مفهومی

در این مقاله بناسط کرامت و حقوق کودک بر اساس معارف و روایات امام رضا (ع) و کنوانسیون حقوق کودک با یکدیگر مقایسه، و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها استخراج گردد. در قرآن کریم از فرزندان و کودکان با عناوین کرامت‌بخش مانند نور چشم^۱، زینت بخش^۲ و... یاد شده است. دین اسلام، از از بدو ظهور با ظلم به کودکان و کشتن آنان به خاطر فقر و زنده به گور کردن دختران مبارزه کرد و بر حفظ مصالح عالی و تکریم شخصیت آنان تأکید کرد. مذهب تشیع نیز، جایگاه و منزلت ویژه‌ای برای کودکان قائل است؛ در دیدگاه و سیره ائمه معصومین، توجه به کرامت و حقوق کودکان به روشنی مطرح شده است. آموزه‌ها و روایات امام رضا (ع) بازتاب‌دهنده دیدگاه اسلامی و مذهب تشیع به حقوق کودک است.

کنوانسیون حقوق کودک نیز مهم‌ترین سند حقوقی بین‌المللی برای کودکان است که در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و از ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ لازم‌الاجرا شده است. در این سند، مهم‌ترین حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان مطرح و دولت‌ها موظف به اجرای آن شده‌اند (آذرپندار، ۱۳۹۷: ۹۱). این کنوانسیون مهم‌ترین سند بین‌المللی الزام‌آور در زمینه حقوق کودکان قلمداد می‌شود. با این مقایسه، ضمن آنکه توجه و تأکید نظام حقوقی اسلام به حقوق کودک به تصویر کشیده می‌شود، نقاط ضعف کنوانسیون حقوق کودک در مقایسه با نظام حقوقی اسلامی نیز آشکار می‌شود.

۱. «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَرْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»؛ (فرقان/۷۴).

۲. «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَةُ الصَّالِحَةُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا»؛ (کهف/۴۶).

موضوع محوری مقاله، کرامت و حقوق کودک است. کودک در لغت به معنای طفل، بچه، نوزاد، خرده و ریزه از هر چیزی آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۲۴۵۲). در برخی آیات قرآن، به صراحت واژه طفل به کار برده شده است. از این آیات برداشت می‌شود که کودکی همزمان با انعقاد نطفه شروع می‌شود و از این لحظه دارای حقوق خاصی است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً...» (غافر/۶۷)؛ او کسی است که شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه‌ای، سپس از علقه‌ای (خون بسته شده)، سپس شما را به صورت طفلی (از رحم‌ها) بیرون می‌آورد. بیشتر فقهاء، کودک را کسی می‌دانند که به حد بلوغ شرعی نرسیده است (موسوی‌بجنوردی، ۱۳۸۲: ۷۹). امام خمینی نیز در تعریف فقهی از کودک، نرسیدن به حد بلوغ شرعی را قید کرده است (خمینی، ۱۴۲۵، ج ۳: ۲۱). اما ماده یک کنوانسیون حقوق کودک، افراد کمتر از هیجده سال، را کودک می‌شمارد.

در این پژوهش، منظور از کودک مقطع ابتدایی از عمر انسان است که به بلوغ و رشد کامل جسمی و فکری نرسیده است، اما به لحاظ کرامت وجودی، از حقوق ذاتی و اکتسابی برخوردار است. از این رو، برای بررسی میزان توجه نظام‌های حقوقی به حقوق کودک باید دید آنها تا چه میزان کودک را دارای کرامت و خود را ملزم و موظف به حفظ کرامت کودک می‌دانند. کرامت، اسمی برای بزرگ‌منشی است (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱۲: ۵۱۲) و کرامت انسانی به معنای بلندمرتبتگی انسان است. کرامت بیانگر دو نوع ویژگی اکتسابی و ذاتی در وجود انسان است؛ بدین معنا که کرامت انسانی، شأنی والاست که از یک سو خداوند آن را به طور ذاتی و فطری در وجود همه انسان‌ها به ودیعه نهاده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء/۷۰). از سوی دیگر، آدمی می‌تواند با توجه به توان خود، فضیلت‌های والا را کسب کند. بنابراین آیه فوق، کرامت برای انسان بماهو انسان مطرح شده و فراگیر است؛ یعنی همه انسان‌ها و از جمله کودکان را در هر رده سنی، نژادی، اعتقادی، فکری و فرهنگی شامل می‌شود.

کرامت انسان و از جمله کودکان نمی‌تواند بدون حقوق ذاتی برای آنان تصور شود؛ زیرا چنانچه گفته شد کرامت نوعی ارزش‌دهی و ترجیح انسان از جهت انسانیت است و این معنا مستلزم آن است که انسان دارای حقوق متعدد فطری، طبیعی، اجتماعی و... باشد. در حقیقت، کرامت انسان یک قاعده حقوقی نیست؛ بلکه همه قواعد حقوق بشر از کرامت انسانی ناشی می‌شود. بر همین مبنا، در قوانین و اسناد حقوق بشر (اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون

چهارگانه ژنو و حقوق بشر دوستانه، کنوانسیون رفع تبعیض نژادی و...) نیز به موضوع کرامت انسانی توجه و مبنای وضع حقوق قرار گرفته است.

۴. مؤلفه‌های کرامت کودکان

طبق قاعده فقهی «الْإِلْتِرَامُ فِي الشَّيْءِ الْإِلْتِرَامُ فِي لَوَازِمِهِ» (جعفری لنگرودی، ۱۳۴۶: ۷۷۷). باید مؤلفه‌هایی که لازمه کرامت انسانی در همه مراحل از بدو تولد تا پایان زندگی است، مورد توجه قرار گیرد. برخی از مؤلفه‌های کرامت بخش کودکان به شرح زیر است:

۴-۱. تربیت

واژه تربیت به معنای پرورش، رشد و نمو، فرهیختن و ادب و اخلاق را به کسی آموختن است. در تعریف اصطلاحی، تربیت عبارت است از: «فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعدادهای انسان در جهت مطلوب» (شکوهی یکتا، ۱۳۷۳: ۴).

تربیت از نیازهای اولیه کودکان و جزو حقوق معنوی آنان است؛ زیرا یکی از پایه‌های مهم سعادت است و سعادت سبب کرامت وجودی انسان می‌شود؛ در نتیجه تربیت را می‌توان از مؤلفه‌های کرامت بخش انسان به‌شمار آورد. از آنجایی که سن کودکی بهترین سن برای تربیت‌پذیری است، پس تربیت برای کودکان کرامت بخش است؛ زیرا پرورش درست کودکان آثار و فوایدی مانند شکوفاسازی استعدادها و تشخیص راه درست، درک معنای انسانیت و جهت‌دهی آنها به‌سوی کمال مطلوب را به‌دنبال دارد که در نهایت زمینه‌های کرامت را برای آنها فراهم می‌کند. تربیت جزو اساسی‌ترین هدف پیامبران و ضروری‌ترین وظیفه والدین نیز به‌شمار می‌رود. بر این اساس، اگر از طرف والدین کوتاهی صورت بگیرد و کودکان بر معیار درست پرورش نیابند، عملکرد درستی در خانواده و جامعه ندارند و بازتاب این نوع کنش‌ها، بی‌توجهی، مقایسه و سرزنش کردن را به‌دنبال خواهد داشت که به رشد شخصیت و کرامت کودک آسیب می‌زند. علاوه بر این که تربیت و پرورش کرامت بخش است، اصل مؤلفه تربیت، توجه به کرامت کودک است؛ بدین معنا که تربیت زمانی محقق می‌شود که برای تربیت‌شونده، کرامت قایل باشیم. به بیان دیگر توجه به کرامت ذاتی کودک است که سبب توجه به تربیت و پرورش درست آن می‌شود و والدین برای موفقیت و نیک‌بختی آنان و بهره‌مندی از عزت و احترام در آینده تلاش می‌کنند.

۴-۱-۱. تربیت از دیدگاه امام رضا(ع)

سیره امام رضا(ع) بهترین گواه اهمیت تربیت و کرامت‌بخشی برای کودکان است. در دعای امام رضا(ع) درباره اولین برخورد زن و مرد آمده است: «هنگامی که زن به خانه تو وارد شد، پیشانی اش را بگیر؛ او را به طرف قبله بنشان و بگو: خداوندا، او را به امانت گرفته‌ام و با میثاق تو بر خود حلال کرده‌ام؛ پروردگارا، از او فرزند با برکت و سالم روزی‌ام کن و شیطان را در نطفه‌ام شریک مساز و سهمی برای او قرار مده» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۲۲). نوع دوستی و کمک به دیگران از جمله آموزه‌های تربیتی است که در کرامت‌بخشی کودکان مؤثر است؛ زیرا که سعادت هر فرد در ارتباط با سعادت جامعه و هم‌نوعان است. بنابراین، نوع دوستی باید از همان دوران کودکی آموزش داده شود. امام رضا(ع) می‌فرماید: «کودک را امر کن تا با دست خود صدقه بدهد اگر چه کم باشد، هر چیزی که برای رضای خداوند داده شود اگر چه کم هم باشد در نزد خداوند بزرگ است» (عطاردی، ۱۳۹۷ق: ۶۷۶).

عبودیت نیز جزو مولفه‌های کرامت انسانی است (صالحی و سروری‌مجد، ۱۳۹۵: ۹۹). امام رضا(ع) در روایتی می‌فرماید: «انَّ اشَدَّ الْعِبَادَةِ الْوَرَع» (حویزی، ۱۳۸۳: ۳۰)؛ دشوارترین عبادت، تقوی و پرهیزگاری است. قرآن نیز معیار کرامت ارزشی انسان را تقوا می‌داند: «ان اکر مکم عندالله اتقاکم» (حجرات/۱۳)؛ بنابراین عبودیت، تقوایی است که کرامت می‌بخشد. امام رضا(ع) با الهام از بیانات و سیره پیامبر(ص) فرموده‌اند: «إِذَا وُلِدَ مَوْلُودٌ فَأَذِّنْ فِي أُذُنِهِ الْأَيْمَنِ وَ الْأُفْمِ فِي أُذُنِهِ الْأَيْسَرِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۱۱۶)؛ هنگام تولد فرزند در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگویند. بنابراین، یکی دیگر از مصادیق تربیتی کرامت‌بخش کودکان در اولین قدم به دنیا، زمزمه آوای اذان در گوش نوزاد است که نماد مأنوس کردن کودک با اولین مرتبه عبودیت و بندگی؛ یعنی توحید است.

۴-۱-۲. جایگاه تربیت در کنوانسیون حقوق کودک

بر اساس ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک، کشورها متعهد شده‌اند: «حق کودک را در قبال آموزش و پرورش به رسمیت بشناسند و برای دست‌یابی تدریجی به این حق و بر اساس ایجاد فرصت‌های برابر اقدام‌هایی مانند: اجباری و رایگان کردن تحصیلات ابتدایی برای همگان، تشویق شکل‌های گوناگون آموزشی متوسطه و در دسترس قرار دادن آموزش عالی برای همگان براساس توانایی‌ها و به‌شیوه مناسب را معمول دارند». ماده ۲۹ نیز به اهداف تربیتی کودکان

اشاره دارد: «۱. پیشرفت کامل شخصیت، استعدادها و توانائی‌های ذهنی و جسمی کودکان. ۲. آماده نمودن کودک برای داشتن زندگی مسئولانه در جامعه‌ای آزاد و با روحیه‌ای (مملو) از تفاهم، صلح، صبر، تساوی زن و مرد و دوستی بین تمام مردم، گروه‌های قومی، مذهبی، ملی و اشخاص دیگر و...».

بر اساس آموزه‌های امام رضا (ع)^۴ و کنوانسیون حقوق کودک می‌توان نتیجه گرفت که تمام مراحل و جنبه‌های مختلف مادی و معنوی آموزش و تربیت کودک مانند سواد خواندن و نوشتن، آداب معاشرت، نوع دوستی و... سبب شکوفایی استعدادها، رشد شخصیت و فایق آمدن بر مشکلات می‌شود؛ در نتیجه کرامت و احترام را برای آنها در بر خواهد داشت. با این تفاوت که کرامت کودک در مکتب امام رضا (ع) در کنار تکلیف‌مداری تربیتی کودک دیده شده است؛ بدین معنا که چگونگی عملکرد کودک و همچنین چگونگی رفتار با وی از زمان انعقاد نطفه و بدو تولد به بعد بر مبنای آموزه‌های دینی و تکالیف الهی با هدف دستیابی به رضایت و قرب الهی مشخص شده است. اما در کنوانسیون توجه به تکلیف‌مداری تربیتی کودک تا حد زیادی مغفول مانده است.

۲-۴. امنیت

کلمه امنیت از ریشه «امن» و به معنی در آسایش بودن، مصونیت از خطر، ترس و آرامش خاطر است. در آیه ۲۸۳ سوره بقره، امنیت به معنای خاطر جمع بودن به کار رفته است (قرشی، ۱۳۶۱، ج ۳: ۱۲۳). در فرهنگ اصطلاحات سیاسی نیز، امنیت چنین تعریف شده است: «بی‌خطر کردن، تأمین کردن، امن کردن، با اطمینان کردن» (نوروزی خیابانی، ۱۳۷۴). فارغ از معناهای گوناگون، امنیت یک موهبت الهی و فطری است و نبود آن با اصل کرامت انسان منافات دارد؛ زیرا وجوه مختلف امنیت جسمی، روحی، فردی و... برای حفظ ارزش و کرامت وجودی انسان است. کودکان به سبب آسیب‌پذیری و ناتوانی، نیاز بیشتری به امنیت دارند.

۱-۲-۴. امنیت در دیدگاه امام رضا (ع)

در بیانات امام رضا (ع)^۵ به صراحت واژه امنیت کودک مطرح نشده است. اما توصیه‌هایشان درباره تغذیه و مراقبت از کودک، بیانگر توجه ایشان به امنیت کودک است؛ زیرا مؤلفه‌هایی مانند حفظ سلامت جسمانی و آرامش روانی، امنیت کودک را فراهم می‌کند. تأمین امنیت کودک نیز کرامت‌بخش است.

تغذیه مناسب، یکی از عوامل مؤثر در حفظ سلامت جسم و روح کودک است؛ در نتیجه، امنیت جانی کودک تأمین می‌شود. تغذیه سالم و مقوی فرزند مورد توجه امام رضا^(ع) بوده است؛ ایشان می‌فرمایند: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَيْسَ لِلصَّبِيِّ لَبَنٌ خَيْرٌ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ» (عطاردی، ۱۴۰۶، ج ۲: ۲۷۸)؛ رسول خدا (ص) فرموده است: برای کودک، شیری بهتر از شیر مادرش نیست. سیره عملی امام رضا^(ع) نیز بیانگر توجه به تغذیه و مراقبت از فرزندش در دوران کودکی است: از حکیمه خواهر امام رضا^(ع) روایت شده است: «وقتی زمان وضع حمل خیزران، مادر حضرت جواد(ع)، رسید، حضرت رضا(ع) مرا صدا زد و فرمود: هنگام وضع حمل، پیش او حاضر باش و همراه او و قابله درون اتاق برو. آنگاه حضرت چراغی در اتاق گذاشت و در آن را بست. هنگام وضع حمل خیزران چراغ خاموش شد و او ناراحت گردید. در این وضعیت بودیم که حضرت جواد(ع) به دنیا آمد... در این هنگام امام رضا(ع) آمد، در اتاق را باز کرد، جواد^(ع) را گرفت، در گهواره گذاشت و به من فرمود: «با حکیمه الزمی مهده»؛ حکیمه مراقب گهواره‌اش باش» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۰: ۱۰). محمدبن سنان نیز از امام رضا^(ع) نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «اطعموا حبالکم اللبان فإن یکن فی بطنهن غلام خرج ذکّی القلب عالما شجاعا و إن یکن جاریه حسن خلقها و خلقها و عظمت عجیزتها و حظیت عند زوجها» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۲۳)؛ همسران بارداران را کندر دهید؛ اگر حمل آنها پسر باشد، پاکیزه قلب، دانشمند و شجاع خواهد شد و اگر دختر باشد، خوش اخلاق و زیبا می‌شود و نزد شوهرش منزلت می‌یابد. بنابراین، در سیره گفتاری و رفتاری امام رضا^(ع) همواره، به رعایت بهداشت، تغذیه سالم و عوامل معنوی مؤثر بر سلامتی که می‌تواند تأمین‌کننده امنیت جسمی و روانی کودک باشد، توجه خاص شده است.

۴-۲-۲. امنیت در کنوانسیون حقوق کودک

در کنوانسیون حقوق کودک نیز به‌طور مستقیم، واژه «امنیت کودک» به‌کار برده نشده است. اما در ماده ۱۶ ذیل عنوان «حفظ محدوده خصوصی» به‌صراحت، امنیت کودک را از جنبه‌های مختلف بازگو می‌کند: «محدوده خصوصی هیچ کودکی قابل تعرض نیست. این محدوده که شامل همه جوانب مربوط به امور خانوادگی، مسکونی، حیثیتی و مکاتبات شخصی است، نباید به‌طور عمد یا غیرقانونی آسیب ببیند».

در موارد دیگر، مصادیقی از حفظ حریم خصوصی، مکان‌نگهداری، و سطح زندگی کودک را نام برده است که تأمین‌کننده امنیت وی است؛ چنانچه در ماده ۲۵، مسئله «کنترل و رسیدگی

منظم به مکان نگهداری کودک» و در ماده ۲۷ «استاندارد و سطح زندگی کودک» مطرح شده است. بند «ج» ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک نیز بهره‌مندی از تغذیه و خوراک مناسب را از حقوق مسلم کودک برشمرده است. اغلب نهادهای حقوق بشری نیز بر اهمیت تغذیه با شیر مادر تأکید دارند، اما در هیچ سند حقوقی الزام‌آوری به صراحت به رسمیت شناخته نشده و به‌عنوان یک حق بشری در حد اسناد حقوقی غیرالزام‌آور باقی مانده است (زرنشان، ۱۳۹۶: ۵۸۴).

بنابر آموزه‌های رضوی و کنوانسیون حقوق کودک، توجه به نیازهای جسمی و روحی کودکان، زمینه‌ساز امنیت آنان خواهد بود. حفظ امنیت نیز، کرامت‌بخش کودکان است. پس نباید حفظ امنیت و نشاط بسیار آنها در این دوران با دغدغه‌ها و مشکلات بزرگ‌ترها جابه‌جا شود. گاه قایل بودن به حفظ حریم خصوصی کودک به‌عنوان یک مؤلفه امنیت‌ساز و کرامت‌بخش با تربیت او توسط والدین تعارض پیدا می‌کند؛ زیرا برخی از وجوه تربیتی کودک مستلزم کنترل و نظارت بر ارتباط با دیگران و اطلاعات در دسترس اوست. این مسئله بر مبنای قاعده تقدم اهم بر مهم قابل حل است؛ یعنی با توجه به اهمیت تربیت کودک در سعادت وی باید به تربیت کودک اولویت داده شود. آموزه‌های اسلام و کنوانسیون حقوق کودک نیز اولویت را به تربیت داده‌اند. در کتاب‌های فقهی بابتی تحت عنوان احکام اولاد در مبحث نکاح به حقوق کودک در برابر والدین از قبیل حق آموزش و حق تربیت اختصاص یافته است. در ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک نیز با در نظر گرفتن معیار اصلی «منافع عالی‌ه کودک»، به حق تربیت کودک اولویت داده شده و تحت شرایطی راه را برای ورود به حریم خصوصی با هدف تربیت کودک باز گذاشته است.

۳-۴. خودباوری

خودباوری، به معنای اعتماد به نفس است. منظور از آن، یک حالت مثبت روحی است که در نتیجه احساس ارزشمندی در نفس انسان پدید می‌آید و او را آماده می‌سازد تا از طریق بهره‌گیری از توانمندی‌هایی که دارد، وظایفش را انجام دهد و از موانع نهراسد. از این حالت روحی در آموزه‌های اسلامی با تعبیری چون علوهمت، مناعت طبع، اعتماد به نفس، عزت نفس و... یاد می‌شود (صغری، ۱۳۸۸: ۴). توجه به جنبه‌های خودباوری نیز جزو حقوق معنوی محسوب شده و کرامت‌بخش است. توجه به این مولفه در کودکان اهمیت بیشتری دارد؛ چرا که در چگونگی بروز رفتارهای گوناگون کودکان نقش موثری دارد و زمینه‌های تکامل شخصیت و ارزشمندی آنان را فراهم می‌کند.

۴-۳-۱. خودباوری در دیدگاه امام رضا(ع)

امام رضا(ع) به خودباوری کودکان توجه داشته است؛ روزی یکی از یارانش، حضرت را ملاقات می‌کند و از فرزند خود که مالش را تباه کرده است، شکایت می‌کند. امام چنین پاسخ می‌دهد: «این مال در برابر نعمتی که خداوند به واسطه او به تو ارزانی داشته است بسیار اندک است» (مجلسی، ۱۳۶۷: ۸۴). این پاسخ امام رضا(ع) بیانگر اهمیت حفظ کرامت و خودباوری فرزند است؛ زیرا از فرزند به‌عنوان نعمت خداوند یاد می‌کند و خسارت مالی را در برابر تباه ساختن شخصیت او ناچیز می‌شمارد. این بیان امام(ع) به معنای بی‌توجه بودن به اشتباهات کودکان نیست؛ بلکه توجه به حفظ حرمت و کرامت آنان در برابر مال و دادن فرصت دوباره برای به‌دست آوردن تجربه، مهارت و تقویت اعتماد به نفس آنان است.

مسئولیت‌دهی به کودکان با توجه به توانمندی‌های آنان از جمله مواردی است که به خودباوری آنها کمک می‌کند و در نتیجه سبب رشد شخصیت و کرامت آنها می‌شود. توجه به این مسئله در سیره امام رضا(ع) وجود داشته است؛ آن حضرت به خوبی برای فرزندش جواد(ع) آینده‌نگری فرمود و چون می‌دانست فرزندش در نوجوانی مسئولیت بزرگ رهبری جامعه اسلامی را به‌عهده می‌گیرد با واگذارن مسئولیت‌ها در کودکی، قدرت مدیریت و رهبری را در او تقویت می‌کرد: «حنان بن سدید می‌گوید: پیوسته حضرت جواد(ع) با اینکه کودک و نوجوان بود، اداره امور حضرت رضا(ع) را در مدینه به‌عهده داشت و به خادمان حضرت امر و نهی می‌کرد و هیچ‌یک از خدمتگزاران با وی مخالفت نمی‌کرد» (مظفری، بی‌تا: ۳۲۱).

همچنین امام رضا(ع) به سبب ستم فرمانروایان مجبور شدند مدتی را دور از وطن و خانواده به سر ببرند و مسئولیت و اداره امور را به امام جواد(ع) واگذار کنند. ایشان هم پیش از سفر و هم در طول سفر از طریق نامه و پیام‌های شفاهی فرزندش را راهنمایی می‌کردند: «هنگامی که خواستی از خانه خارج شوی، همراه خود طلا و نقره داشته باش و هرکه از تو چیزی خواسته، عطا کن. [فرزندم]، این سفارش من به‌خاطر رشد و رفعت مقام توست، پس به دیگران انفاق کن و از خدای صاحب عرش، ترس فقر و تنگدستی نداشته باش» (طائی بصری، ۱۴۰۶: ۴۵۷)؛ چنانچه خود حضرت تصریح می‌کند این مسئولیت‌دهی‌ها و توصیه‌ها برای رشد و بالارفتن مقام و کرامت فرزندش بوده است و امام رضا(ع) از این طریق، زمینه‌های آمادگی و پذیرش مسئولیت بزرگ امامت را برای فرزندش فراهم کردند.

۴-۳-۲. خودباوری در کنوانسیون حقوق کودک

در کنوانسیون حقوق کودک، اشاره‌ای به خودباوری کودکان نشده است؛ زیرا هدف غایی و پرورشی مورد نظر آن نیست. گرچه کشورهای طرف کنوانسیون حق تمام کودکان را نسبت به برخورداری از استاندارد مناسب زندگی برای رشد جسمی، ذهنی، روحی، اخلاقی و اجتماعی به رسمیت شناخته‌اند، اما فاقد چگونگی دستیابی به مصادیق رشد روحی، اخلاقی و... است. در حالی که در آموزه‌های تربیتی اسلام، توجه به خودباوری و خودگردانی کودکان محوریت دارد؛ و خودباوری نقش مبنایی در دستیابی افراد به بسیاری از حقوق اجتماعی دارد.

۴-۴. ظلم نکردن

ظلم دارای معانی گوناگونی چون ستمگری، بیدادگری، جور و جفا، گذاشتن چیزی در غیر محل آن یا قرار دادن چیزی در جایگاهی است که شایسته آن نیست (سیاح، ۱۳۳۰، ج ۳: ۵۵). در اصطلاح و عرف مردم، معنی ظلم، بیشتر با مصادیق آن گره خورده و نقطه مقابل عدالت است. عدالت نیز با مفهوم حق گره خورده است و ظلم به تجاوز از حق گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۳۲۶). بدین ترتیب، مصون ماندن از ظلم در همه ابعاد آن، جزو حقوق معنوی انسان است.

ظلم مخالف فطرت انسانی است و انسان‌ها ظلم در حق خود را بر نمی‌تابند. بنابراین، ظلم متناسب با سرشت انسان نیست و مصادیق گوناگون آن، مانعی برای شکوفایی استعدادها و ناقض عزت و کرامت انسان است. ظلم به کودکان، به سبب شرایط و محدودیت‌های ذهنی و جسمی و ناتوانی در دفاع از خود، آسیب و خدشه بیشتری به کرامت آنها وارد می‌کند.

۴-۴-۱. ظلم نکردن در دیدگاه امام رضا (ع)

امام رضا (ع) در روایتی ظلم به کودکان را نکوهش کرده‌اند: «هرگاه به کودکان خود وعده‌ای دادید، به وعده خود وفا کنید؛ زیرا آنها شما را روزی رسان خود می‌دانند و خداوند متعال از هیچ چیز به اندازه‌ی ظلم به زنان و کودکان خشمگین نمی‌شود (مجلسی، ۱۳۶۷: ۸۷). ظلم به کودکان با حفظ شأن و کرامت کودکان مغایرت دارد؛ زیرا آسیب‌های روحی مانند سرخوردگی، از دست دادن حس اعتماد به نفس و... را به دنبال دارد. علاوه بر این روایت که می‌تواند مصداق کلی برای نفی همه ظلم‌ها نسبت به کودکان باشد، روایات دیگری از سایر پیشوایان دینی

وجود دارد که مصادیق آزار و اذیت کودکان را به طور مشخص نفی کرده‌اند؛ از جمله بیان امام موسی کاظم (ع) در برخورد با مردی که در حضور ایشان از فرزند خود شکایت کرد، امام (ع) فرمود: «او را نزن، بلکه از او دوری کن (قهر کن)، ولی نه طولانی» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۳: ۱۱۴).

در روایتی از رسول خدا (ص) نیز مصادیقی از نفی آزار کودکان به سبک امروزی مانند کودکان کار مشاهده می‌شود: «رَجِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرٍّه. قَالَ كَيْفَ يُعِينُهُ عَلَى بَرٍّه؟ قَالَ يَقْبَلُ مَيْسُورَةً وَيَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَلَا يُرْهَقُهُ وَلَا يَخْرُقُ بِهِ»؛ خدا رحمت کند کسی را که در انجام خوبی‌ها یاور فرزندش باشد. (راوی حدیث) گفت: چگونه فرزندمان را در نیکی به خود یاری نماییم؟ حضرت فرمود: کارهای کوچک آسانش را بپذیرد و از کارهای دشوارش بگذرد، از وی تکلیفی فراتر از توانش نخواهد و به وی بی‌احترامی روا مدارد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۵۰).

مسایلی چون قاچاق و خرید و فروش انسان، نقض حقوق و کرامت انسانی تلقی می‌شود (اسکریوانکوا، ۲۰۰۶: ۲۳۵). همچنین، مصون ماندن کودکان از آسیب و تعرض مانند بزرگسالان، مکمل حقوق‌ها و نیازهای اولیه آنها برای زنده ماندن و رشد و شکوفایی دانسته شده است (اودانل، ۲۰۰۶: ۸). ظلم به کودکان از هر نوع که باشد، می‌تواند حس کرامت کودکان را خدشه‌دار و آسیب‌های جدی روحی و جسمی به آنان وارد کند؛ به‌ویژه اینکه کودکان فاقد تشخیص و توانمندهای لازم برای دفاع از خود هستند.

۴-۲. ظلم نکردن در کنوانسیون حقوق کودک

بند ۱ ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک، کشورهای طرف کمیسیون را متعهد کرده است که: «تمام اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را برای حمایت از کودک در برابر تمام اشکال خشونت‌های جسمی و روحی، آسیب‌رسانی یا سوءاستفاده، بی‌توجهی یا سهل‌انگاری، بدرفتاری یا استثمار منجمله سوءاستفاده جنسی در حینی که کودک تحت مراقبت والدین یا قیم قانونی یا هر شخص دیگری قرار دارد، به‌عمل خواهند آورد».

در ماده ۳۴ به‌طور ویژه، به حمایت از کودکان در برابر تمام اشکال استثمارهای جنسی (مانند تشویق یا وادار نمودن کودکان برای درگیری در هرگونه فعالیت‌های جنسی، استفاده در اعمال و مطالب پرنوگرافیک) پرداخته است. ماده ۳۲ به «ممنوعیت استثمار اقتصادی کودکان» اشاره و ماده ۳۵ «ممنوعیت خرید و فروش کودک» را مطرح کرده است.

این ماده‌های حقوقی به‌صورت کلی مطرح شده و جامع برخی از جزئیات حقوق کودکان

نیست؛ مانند «ممنوعیت کلی استثمار و بهره‌کشی کاری از کودکان»، در حالی که باید بین کار سودمند مطابق با سن کودک با کار مضر تفاوت قایل شد؛ چرا که واگذاری مسئولیت‌های کوچک مطابق با شرایط و حفظ منافع عالی‌تر کودک به رشد فکری و اجتماعی وی کمک می‌کند. علاوه بر این، مخاطب این ماده‌های حقوقی، بیشتر بخش رسمی است و بخش غیررسمی کم‌رنگ‌تر است؛ برای مثال، به استثمار خانوادگی تصریح نشده است؛ در حالی که کودکان بسیاری، از بهره‌کشی‌های خانوادگی و خیابانی رنج می‌برند و به کارهای خلاف مانند تولید و قاچاق مواد مخدر واداشته می‌شوند. بنابراین، برخی از این قوانین با سایر قوانین مربوط به حوزه کودکان مانند قوانین کار همسویی ندارد.

گرچه توجه به جنبه‌های حقوقی کودکان و اعتبار بخشی به آن در نظام بین‌المللی، نقش آفرینی و شخصیت مستقل کودکان را تقویت و راهنمای جهانی به این حقوق را نمایان می‌کند. اما کنوانسیون بیانگر مجموعه‌ای از ادعاهای حقوقی و اخلاقی است که تعهدی نسبت به نتیجه ایجاد نمی‌کند و در عمل قابلیت بازدارندگی ندارند.

در اسناد بین‌المللی، تدابیر پیشگیرانه و حمایت از قربانیان کودک به‌عنوان یکی از راهبردهای اصلی برای مقابله با نقض حقوق کودکان مطرح شده است. در بحث بازگشت کودکان قربانی به وطن نیز بر رعایت کرامت انسانی آنها تأکید شده است (رایکن و ولدر، ۲۰۰۹: ۶۷). با وجود این‌ها، کنوانسیون باید با یک نگاه واقع‌بینانه‌تر و پشتوانه اجرایی بیشتر، چالش‌های مربوط به حقوق کودک را برطرف کند و تکیه صرف بر این ماده‌های حقوقی برای کرامت‌بخشی عینی کودکان ناتوان است؛ بی‌تفاوتی به جنایت‌های بیشماری که هر روز در جهان رخ می‌دهد، گویای ناتوانی عملی و اجرایی این ماده‌های حقوقی است. گزارش‌های جهانی یونسکو (۲۰۰۱: ۳۲)، از شکل‌های جدید سوءاستفاده از کودکان با ابزار مدرن و بهره‌برداری‌های تجاری از آن‌ها؛ مانند هرزه‌نگاری‌های اینترنتی، بیانگر تسهیل و ارزان شدن زمینه‌های نقض کرامت کودکان است که گاهی پیگیری و کشف آنها نیز غیرممکن است.

جدول ۱: مولفه‌های کرامت‌بخش

ردیف	مولفه‌های	دیدگاه امام رضا(ع)	کنوانسیون حقوق کودک
۱	تربیت	۱. توجه به مولفه‌های تربیتی کرامت‌بخش از زمان انعقاد نطفه؛ ۲. آموزش نوع‌دوستی؛ ۳. مانوس کردن کودک با اولین مرتبه عبودیت (توحید)؛	۱. به رسمیت شناختن حق آموزش و پرورش کودک ۲. طرح اهداف تربیتی کودکان
۲	امنیت	امنیت جانی: توجه همزمان به دو بُعد پرورش و امنیت جسمی و جان کودک (آرامش جسم و روان).	۱. حفظ حریم خصوصی کودک ۲. اشاره به مصادیق حفظ حریم خصوصی کودک
۳	خودباوری	۱. ناچیز شمردن زیان مالی در قبال خسارت به شخصیت کودک؛ ۲. توجه به تقویت اعتماد به نفس و خودباوری؛ ۳. مسئولیت‌دهی برای رشد شخصیت، و آمادگی برای حضور در اجتماع؛ ۴. واگذاری اداره امور با هدایت غیر مستقیم و نامحسوس از راه دور؛	اشاره‌ای به خودباوری کودکان نشده است؛ اما کشورهای طرف کنوانسیون حق تمام کودکان را نسبت به برخورداری از استاندارد مناسب زندگی برای رشد جسمی، ذهنی، روحی، اخلاقی و اجتماعی به رسمیت شناخته‌اند.
۴	ظلم نکردن	۱. وفای به عهدها و وعده‌ها؛ ۲. پرهیز از آزار و اذیت کودکان و نفی انواع ظلم و خشونت؛	۱. منع تمام اشکال خشونت‌های جسمی و روحی؛ ۲. آسیب نرساندن به کودک با سهل‌انگاری، بدرفتاری، خرید و فروش کودک، استثماری جنسی، اقتصادی و..

۵. یافته‌های پژوهش

آموزه‌های رضوی و کنوانسیون حقوق کودک با دو نگاه متمایز، به کرامت و حقوق کودکان پرداخته‌اند؛ از این رو، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند:

۵-۱. شباهت‌ها

۵-۱-۱. شباهت در مولفه‌های کرامت‌بخش

مهم‌ترین شباهت بین دیدگاه امام رضا(ع) درباره کرامت کودک و کنوانسیون حقوق کودک، اشاره به مؤلفه‌ها و قواعد حقوقی است که زمینه‌ساز کرامت کودکان است. مؤلفه‌های کرامت‌بخش مانند تربیت، امنیت، عدالت‌ورزی، ظلم نکردن و... هم در آموزه‌های امام رضا(ع) و هم در قواعد

حقوقی کنوانسیون یافت می‌شود که در صورت عمل به این آموزه‌ها و اجرای این قوانین، کرامت و حقوق کودکان حفظ خواهد شد.

۱-۲. شباهت در مصادیق حقوقی

بر مبنای مولفه‌های کرامت‌بخش، برای کودک حقوقی ایجاد می‌شود. در آموزه‌های رضوی و کنوانسیون حقوق کودک، مولفه‌های حقوقی مشابهی دیده می‌شود. هر دو مکتب، حقوق همه‌جانبه‌ای چون حق هویت، حق حیات، حق امنیت، حق تربیت، حق آزادی و... برای کودکان قائلند.

۱-۳. شباهت در استثناپذیری

آموزه‌های امام رضا (ع) و قواعد حقوقی کنوانسیون حقوق کودک به صورت همگانی تدوین یافته و استثنابردار نیستند؛ یعنی کودک از هر قوم، نژاد و طبقه‌ای که باشد، از مولفه‌های کرامت‌بخش برخوردار است. به تبع آن، هر کودکی به حکم انسان بودن و فارغ از ملیت، مذهب، جغرافیا، اوضاع و احوال متغیر اجتماعی یا میزان قابلیت و صلاحیت ممتاز فردی و یا هر عنوان عارضی دیگری باید از حقوق عادی و متعارف خود بهره‌مند شود.

۱-۴. شباهت در تعهد و مسئولیت‌پذیری خانواده

آموزه‌های رضوی و کنوانسیون حقوق کودک به اتفاق، تعهداتی را برای والدین در قبال تأمین و حفظ کرامت و حقوق کودکان در نظر گرفته‌اند. در آموزه‌های رضوی، بیشترین مسئولیت به والدین و خانواده سپرده شده است؛ که منشا آن اصلی در اسلام است که ذیل «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَی الْوَالِدِ» نام برده می‌شود. در کنوانسیون حقوق کودک نیز، بیشترین مسئولیت بر عهده والدین است. در ماده ۱۸، کشورهای طرف کنوانسیون متعهد شده‌اند: «بیشترین تلاش خود را برای تضمین به رسمیت شناختن این اصل که پدر و مادر کودک، مسئولیت مشترکی در زمینه رشد و پیشرفت کودک دارند، به عمل آورند. والدین یا قیم قانونی، مسئولیت عمده را در رشد و پیشرفت کودک به عهده دارند و اساسی‌ترین مسئله آنان، حفظ منافع عالیه کودک است». در ماده ۵ نیز، کشورهای طرف کنوانسیون، موظف به رعایت و محترم شمردن حقوق و مسئولیت‌های والدین یا سرپرستان قانونی آنان برای پرورش مناسب کودک شده‌اند.

۱-۵. شباهت در مسئولیت‌پذیری جامعه

آموزه‌های رضوی و کنوانسیون حقوق کودک، پس از تأکید به تعهد والدین و خانواده در قبال کودک، جامعه را نیز مسؤول می‌دانند. دیدگاه امام رضا در این خصوص همسو با نظر اسلام

است. از دید اسلام، اگر والدین توانایی تأمین نیازهای کودک را ندارد این وظیفه بر عهده افراد جامعه است. کنوانسیون حقوق کودک نیز پس از والدین، از مسؤولیت جامعه و دولت در رفع نیازمندی‌های اساسی و بنیادین کودکان سخن گفته و تدابیر اجرایی در حمایت از کودکان را خواستار شده است.

جدول ۲: شباهت‌ها

ردیف	عنوان	دیدگاه امام رضا و کنوانسیون حقوق کودک
۱	مولفه‌های کرامت‌بخش	تربیت، امنیت، عدالت‌ورزی، ظلم نکردن
۲	مصادیق حقوقی	حق حیات، حق امنیت، حق تربیت، حق آزادی
۳	استثناپذیری	فراگیری همه کودکان از هر قوم، نژاد و طبقه
۴	تعهد و مسؤولیت‌پذیری خانواده	خانواده، اولین نهاد مسؤل حفظ کرامت و حقوق کودک
۵	تعهد و مسؤولیت‌پذیری جامعه	پس از والدین، جامعه مسؤل حفظ کرامت و حقوق کودک

۲-۲-۵. تفاوت‌ها

تفاوت‌های مکتب فکری امام رضا^(ع) و کنوانسیون حقوق کودک به شرح زیر قابل طرح است:

۲-۲-۵. ۱. تفاوت در مبانی نظری و منشأ کرامت و حقوق کودک

پیشینه و مبانی نظری و عملی متفاوت یکی از وجوه تمایز آموزه‌های امام رضا^(ع) با کنوانسیون حقوق کودک است. مبانی و الگوی رفتاری امام رضا^(ع) درباره کرامت‌بخشی به کودکان، دینی و مستند به قرآن و آیات و روایات است. در اسلام، خداوند منشأ و صاحب حق است و حقوقی را برای بندگانش در نظام تکوین و تشریح وضع می‌کند. اما کنوانسیون بیش از هر چیز از دیدگاه لیبرالیستی ناشی شده است که منشأ حق، فرد انسانی است و معمولاً در قالب قرارداد اجتماعی، حق ایجاد می‌شود. با توجه به این پیشینه، آموزه‌های رضوی را می‌توان جامع و جهان‌شمول دانست؛ زیرا اسلام دینی جامع و کامل است که در همه دوران‌ها قابل استفاده خواهد بود. همچنین، آموزه‌های دینی و اسلامی به‌لحاظ زمانی بر کنوانسیون، پیشی دارند.

۲-۲-۵. ۲. تفاوت در هدف

به‌لحاظ هدف مکتب فکری امام رضا^(ع) با کنوانسیون حقوق کودک تفاوت بنیادین دارد. آموزه‌های رضوی بر مبنای قرآن، هدف نهایی را دستیابی به سعادت کرامت‌بخش می‌داند. کودکان نیز به‌سبب کرامت وجودی و ذاتی، شایسته برخورداری از انواع حقوق‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی‌اند که هدف از دستیابی به این حقوق‌ها نیز رسیدن به سعادت است که در

نهایت کرامت انسانی را نتیجه می‌دهد. اما دغدغه اصلی کنوانسیون از تدوین مواد و تبصره‌های حقوقی کودکان، دستیابی به کرامت حقیقی و سعادت مورد تأکید پیشوایان دینی نیست. بلکه هدف و دغدغه کنوانسیون، کرامت اکتسابی ناشی از مؤلفه‌های حقوقی و اجتماعی است که زمینه‌های آن باید توسط خانواده و جامعه فراهم شود. بی‌توجهی و ناباوری به کرامت حقیقی کودکان، دستیابی به کرامت اکتسابی را چالش‌زا خواهد کرد؛ زیرا این دو نوع کرامت، لازم و ملزوم یکدیگر هستند؛ بدین صورت که زمانی زمینه‌های کرامت اکتسابی را برای کودکان فراهم می‌کنیم که کرامت حقیقی آنها را باور داشته باشیم و بی‌توجهی به کرامت حقیقی کودکان، سبب بی‌اعتنایی به کرامت‌های اکتسابی در خانواده و جامعه می‌شود. از سوی دیگر، هرگاه کودک نتواند مؤلفه‌های کرامت بخش را کسب کند، با اصل کرامت ذاتی و وجودی وی ناسازگاری به وجود می‌آید.

۵-۲-۳. تفاوت در روش‌شناسی

با توجه به تفاوت در مبانی نظری و اعتقادی، نوع روش‌شناسی مکتب فکری امام رضا (ع)^۲ و کنوانسیون حقوق کودک نیز متفاوت خواهد بود. منظور از روش‌شناسی، شیوه‌هایی است که برای بیان اهمیت و توجه به موضوع به کار گرفته می‌شود. آموزه‌های رضوی در تبیین کرامت کودکان بر روش‌های متنوع و گوناگون مبتنی است؛ بدین صورت که به جزئیات مانند حق شیرخوارگی و ارائه روش و الگودهی (درست خطاب کردن نام کودک، صدقه دادن برای تقویت حس نوع‌دوستی کودکان و...) پرداخته است. همچنین مطالب با مثال‌های عینی، داستانی، پندگویی، امر و نهی کردن و نمونه‌های عملی (بازی با کودکان، بوسیدن و در آغوش گرفتن برای ابراز محبت به آنان و مسئولیت‌دهی برای تقویت حس خودباوری کودکان) بیان شده است. اما در کنوانسیون مباحث مربوط به کرامت و حقوق کودکان به صورت کلی و در قالب ماده‌ها و بندهای حقوقی تنظیم شده است. تعداد تبصره‌ها و مواد حقوقی کنوانسیون بیشتر از روایات امام رضا (ع)^۳ است، اما در بیانات و سیره رفتاری امام رضا (ع)^۴ به موارد اصلی اشاره شده که از این اصول، بسیاری از موارد دیگر را نیز می‌توان دریافت کرد. برای مثال در بخش «خودباوری» روایتی از امام رضا (ع)^۵ نقل شد مبنی بر اهمیت تباہ نشدن شخصیت کودک در برابر خسارت مالی ایجاد شده؛ از این روایت، علاوه بر حفظ کرامت کودکان، مصادیق چگونگی رویارویی با اشتباهات کودکان مانند فرصت‌دهی دوباره برای به دست آوردن تجربه، مهارت و تقویت اعتماد

به نفس کودکان برای ورود به اجتماع نیز یافت می‌شود. همچنین در بخش «ظلم نکردن» اشاره شد که امام رضا(ع)، وفا نکردن به وعده‌ها را هم‌ردیف با ظلم قرار داده است؛ این روایت می‌تواند مصداق کلی برای نفی همه ظلم‌های امروزی نیز مانند بهره‌کشی، آزار جنسی و... باشد. بنابراین، آموزه‌های رضوی در حوزه کرامت کودکان، جامعیت بیشتری دارد.

۴-۲-۵. تفاوت در محتوا

به لحاظ محتوایی، در روایات و سیره عملی امام رضا(ع) به هر دو بخش کرامت و حقوق مادی و معنوی کودکان پرداخته شده است. همچنین در مکتب امام رضا(ع) حقوق و تکالیف باهم لحاظ شده است که در واقع این معیت، تضمین‌کننده کرامت حقیقی است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ»؛ همانا گرمی‌ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست (حجرات/۱۳). برخلاف مواد کنوانسیون که بیشتر بیانگر حقوق مادی کودکان است و به لزوم همراه بودن (معیت) حقوق و تکالیف توجهی نشده است. در کنوانسیون، توجه به مؤلفه‌هایی مانند خودباوری و حس اعتماد به نفس مغفول مانده است. اما آموزه‌های امام رضا(ع) جامع مؤلفه‌های کرامت‌بخش کودکان است. علاوه بر این‌ها، آموزه‌های رضوی برای حفظ کرامت کودکان خانواده‌محورتر است؛ یعنی ابتدا به پدر و مادر تأکید کرده سپس اطرافیان، دوستان و اجتماع را مورد توجه قرار داده است. اما بیشترین تأکید کنوانسیون در حفظ حقوق کودکان بر روی دولت‌ها و مجامع بین‌المللی است.

۵-۲-۵. تفاوت در ضمانت اجرایی

با توجه به متفاوت بودن مبانی اعتقادی و نظری آموزه‌های رضوی با کنوانسیون حقوق کودک، به تبع، ضمانت اجرایی این دو مکتب نیز متفاوت خواهد بود؛ بدین صورت که ضمانت اجرایی آموزه‌های رضوی در ایمان، معنویت و اخلاق است و کسی که ایمان به اسلام و احکام آن داشته باشد، باید از تجاوز به حقوق و حریم دیگران خودداری کند؛ در غیر این صورت دین اسلام برای آن مجازات دنیوی و اخروی در نظر گرفته است: «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ» (نساء/۱۴)؛ آن‌کس که نافرمانی خدا و پیامبرش را بکند و از مرزهای او تجاوز کند او را در آتشی وارد می‌کند که جاودانه در آن خواهد ماند و برای او مجازات توهین‌آمیزی است. بنابراین، چون آموزه‌های رضوی برگرفته از قرآن است، از ضمانت‌های اجرایی دنیوی و اخروی (مادی و معنوی) برخوردار است.

ماده ۴ کنوانسیون نیز به اجرای حقوق کودکان تصریح کرده است: «کشورهای طرف کنوانسیون

اقدامات اجرائی و قانونی لازم را جهت تحقق حقوق شناخته شده در این کنوانسیون معمول خواهند داشت.» بند ۲ ماده ۳ بر رفاه کودکان، با در نظر گرفتن حقوق و تکالیف اولیای آنها تأکید کرده و مسؤولیت تأمین آن را بر عهده کشورهای طرف کنوانسیون قرار داده است. ماده ۲ کنوانسیون حقوق کودک نیز، با طرح ممنوعیت تبعیض‌های نژادی، اجتماعی، قومی، ملی و... از ضمانت اجرایی حقوق مندرج در این پیمان‌نامه سخن گفته است. اما قربانی شدن کودکان جهان در اثر استعمار، جنگ‌افروزی‌ها، بی‌عدالتی‌ها، تبعیض‌های عقیدتی، نژادی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی، ضمانت اجرایی این کنوانسیون را زیر سؤال می‌برد؛ زیرا وعده اطمینان‌ها و مصونیت‌های صوری کنوانسیون به‌مانند بسیاری از ماده قانونی‌های صرفاً مکتوب، نتوانسته است مانع تعرض به حقوق کودکان در جهان امروز شود. مانند حریم خصوصی کودکان کار در خیابان که به شیوه‌های گوناگون نقض می‌شود، در حالی که بند ۲ ماده ۱۶ کنوانسیون مدعی است که کودک در برابر این‌گونه دخالت‌ها و هتک حرمت‌ها مورد حمایت قانون قرار دارد (محب‌علی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۳۵). به‌رغم اینکه ادعا می‌شود قوانین حقوق بشر ناظر بر حمایت از کرامت انسانی است (مایرز و همکاران، ۱۹۸۰: ۲۵۶). اما پذیرش جهانی احترام به کرامت ذاتی انسان به‌ویژه در مقام عمل از واقعیت روز جهان فاصله دارد.

۵-۲-۶. تفاوت در تعریف دوره کودکی

آموزه‌های حمایتی و حقوقی امام رضا همسو با دیدگاه اسلام، به قبل از تولد کودک بازمی‌گردد و شامل دوران جنینی نیز می‌شود؛ مانند برخورداری از حق حیات که والدین و دیگران موظف به رعایت آن هستند. در دوران جنینی به مراقبت‌های جسمی، روحی، اخلاقی و دوری از گناه نیز توصیه شده است. چنانچه در متن اشاره شد؛ امام رضا (ع) به تغذیه مناسب مادر در دوران بارداری برای تأمین سلامت جسمی و روانی جنین سفارش می‌کند. بدین ترتیب، ابتدای دوره کودکی از زمان جنینی و بعد از دمیدن روح است و برخورداری از مولفه‌های حقوقی و کرامت‌بخش نیز از همین دوران شروع می‌شود. اما کنوانسیون حقوق کودک، دوره کودکی را از بدو تولد تعریف می‌کند و از این زمان به بعد برای کودک، حقوقی قائل می‌شود.

جدول ۳: تفاوت‌ها

ردیف	عنوان	دیدگاه امام رضا	کنوانسیون حقوق کودک
۱	مبانی نظری	آموزه‌های اسلام	اندیشه‌های لیبرالیستی
۲	هدف	دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی	دستیابی به کرامت اکتسابی و حقوق اجتماعی
۳	روش‌شناسی	ابتناء بر روش‌های متنوع و گوناگون	تنظیم مطالب به صورت کلی و در قالب ماده‌های حقوقی
۴	محتوا	۱. پرداختن به هر دو بخش حقوق مادی و معنوی کودکان. ۲. جامعیت در طرح مولفه‌های کرامت‌بخش. ۳. تمرکز بر نقش خانواده. ۴. تلازم حقوق و تکالیف.	۱. تمرکز بر حقوق مادی. ۲. نپرداختن به همه مولفه‌های کرامت‌بخش. ۳. بی‌توجهی به تلازم حقوق و تکالیف. ۴. تأکید بر نقش دولت‌ها و مجامع بین‌المللی.
۵	ضمانت اجرایی	۱. ضمانت درونی (ایمان و اخلاق)، ضمانت اجرای بیرونی (اقدامات قانونی و استفاده از ابزارها).	اقدامات قانونی و با مسؤولیت کشورها
۶	تعریف دوره کودکی	از زمان جنینی و بعد از دمیدن روح	پس از تولد

۶. تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

سوءرفتارها و آسیب‌های کودکان در دنیای امروز، اگرچه از عوامل مختلف اجتماعی، انسانی، اقتصادی، فرهنگی و... ناشی می‌شود اما همه این عوامل و رویکردها در نقض کرامت کودکان و حقوق شهروندی آنان خلاصه می‌شود؛ تجلی کرامت کودکان با مؤلفه‌هایی مانند هویت، تربیت، عدالت، امنیت، آزادی، خودباوری و.. محقق می‌شود. نادیده گرفتن این مؤلفه‌ها، مشکلاتی همچون فساد، فقر، بی‌عدالتی، ناامنی، زورگویی، بی‌اخلاقی، قاچاق، آزارهای روحی و جسمی، تجاوز و... را برای کودکان در بردارد. بنابراین، این مؤلفه‌ها، علاوه بر آنکه فرضیه عزت‌آفرینی و کرامت‌بخشی را برای کودکان تأیید می‌کند، نقش زیربنایی حفظ کرامت کودکان در مصون ماندن از آسیب‌ها و چالش‌ها را نیز تقویت می‌نماید.

آموزه‌های رضوی و کنوانسیون حقوق کودک، در درک و پذیرش کرامت کودکان اشتراکات و شباهت‌هایی دارند؛ در هر دو نظام، حق کرامت برای کودک به رسمیت شناخته شده و به حقوق کرامت‌بخشی که حیات طبیعی و مطلوب کودک را تأمین می‌کند، توجه دارند. به تبع

حق کرامت؛ حقوق دیگری مانند حق امنیت، حق تعلیم و تربیت، حق آزادی، عدم تبعیض، ممنوعیت بهره‌کشی و... را برای کودکان قائل شده‌اند؛ تامین مجموعه این حقوق نیز کرامت‌بخش وجود کودکان خواهد بود. اما دو نظام، با دو بیان و نگاه متفاوت، مؤلفه‌های کرامت‌بخش کودکان را بیان کرده‌اند؛ از این رو، به لحاظ مبانی، اهداف، روش‌شناسی، محتوا و ضمانت اجرایی تفاوت بنیادین دارند.

آموزه‌های رضوی بر مبنای دیدگاه اسلام و تشیع، طراحی خود را در باب کرامت و حقوق کودکان در دو بُعد ماده و معنا به جوامع بشری عرضه می‌کند. هدف از این نگاه دو جانبه، دستیابی به کمال در هر بُعد مادی و معنوی است. نقشه این راه با تکیه بر فطرت انسانی، آموزه‌های و حیانی، عقلانیت و اخلاق ترسیم می‌شود. با نگاه غایی به جهان، و ایمان به خالق آگاه بر همه چیز، تکلیف را در کنار حق می‌نشانند و سعادت حقیقی را جست‌وجو می‌کند. در مجموع می‌توان گفت؛ آموزه‌های رضوی از مبانی دینی و اسلامی، ایدئولوژی سعادت‌محور، بیان ساده و فاقد ساختارهای پیچیده قانونی، روش‌شناسی متنوع، توجه به کرامت حقیقی و حقوق معنوی در کنار حقوق مادی، تأکید بر خانواده و ضمانت اجرایی مبتنی بر ایمان، معنویت و جزای دنیوی و اخروی برخوردار است.

کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک بر نیازهای بنیادین کودکان و نیز تکالیف خانواده، جامعه و دولت در تامین نیازهای آنان تأکید می‌کند و متضمن تدابیر اجرایی در حمایت از کودکان است. به لحاظ تدوین مقررات کلی، انتظارات جامعه بشری را در حمایت از کرامت و حقوق کودک برآورده می‌کند. اما در مقایسه با نظام تشیع، دارای خلأهایی است؛ این کنوانسیون، برای حفظ کرامت و حقوق کودکان بیشتر بر دولت‌ها و مجامع بین‌المللی، کرامت و حقوق مادی، مبانی لیبرالیستی، انسان‌محوری (اومانیزم) و ایدئولوژی دنیاگرایی تمرکز یافته است. در این نظام، منشأ وضع قوانین، صرفاً بشری است. یعنی مجموعه‌ای از قواعد و مقررات اعتباری و قراردادهای عرفی است که ریشه در امور انتزاعی دارند (جوادی‌آملی، ۱۳۷۷: ۲۴۳) در حالی که در نظام اسلامی و تشیع، منشأ حفظ کرامت و حقوق کودک، درون دینی و از منفعت‌طلبی به دور است. به‌رغم مواد حقوقی خوشایند کنوانسیون، برخی از مبانی اصلی کرامت کودکان مانند حقوق معنوی و مؤلفه‌هایی مانند خودباوری و حس اعتماد به نفس نادیده گرفته شده و در حوزه عمل نیز راهکاری ارائه نشده است. مواد کنوانسیون بیشتر بیانگر حقوق مادی کودکان است و به

تلازم حقوق و تکلیف‌مداری تربیتی کودک توجهی نشده است. در حالی که مکتب امام رضا (ع) بر مبنای نظام تشیع که هر حقی مستلزم تکلیفی است، زنجیره‌ای از حقوق و تکالیف را در رابطه با حقوق کودکان ترسیم می‌کند تا فضای مناسب برای تعامل کودک با والدین، خانواده و سپس جامعه فراهم شود.

به‌رغم پذیرش گسترده اصول کرامت و حقوق کودک در مجامع بین‌المللی، توافق کاملی درباره نحوه اجرای آن در عمل دیده نمی‌شود؛ چنانچه روز به روز ناکارآمدی آن در برابر خشونت‌ها، جنگ‌ها، کشتارها، جنایت‌ها، و مفسدتی که امروزه آسایش و آرامش را از کودکان ربوده‌اند، عیان می‌شود. گزارش‌ها و آمارهای روبه‌رشد سازمان‌های بین‌المللی درباره برده‌داری نوین و نقض کرامت کودکان نیز بی‌توجهی به حفظ کرامت کودکان در حوزه عمل را نشان می‌دهد. در گزارش یونسکو (۲۰۲۰) واقف شدن همه دولت‌ها و ملت‌ها و اتفاق نظر آنها بر یک نظام ارزشی واحد پایدار، یکی از ارکان اصلی تحقق حقوق بشر در سطح جهانی مطرح شده است که در صورت عدم توافق نمی‌توان به اجرایی شدن هیچ‌یک از آرمان‌های نظام حقوق بین‌الملل و استعاره‌های جزئی‌تر آن مانند حقوق کودکان امیدوار بود.

نتیجه‌گیری

با توجه به شباهت‌های موجود به‌ویژه سوئیه‌های عقلانیت در هر دو نظام، می‌توان سطحی از همکاری را در عرصه بین‌المللی برای حفظ حقوق کودکان شکل داد و با ادغام کردن مولفه‌های کرامت‌بخش و حقوقی هر دو مکتب به طرحی جامع‌تر دست یافت، و از خطاهای عقل و تجربه بشری در وضع قوانین و مقررات در حوزه کودکان کاست، و در عمل، به نتیجه متقن و مطمئن‌تری دست یافت. اما با توجه به تفاوت‌ها باید گفت عمل به مواد حقوقی کنوانسیون حقوق کودک نمی‌تواند این حقوق را به‌طور کامل تامین کند. با توجه به آنچه در آموزه‌ها و سیره عملی امام رضا (ع) آمده است، دیدگاه اسلامی، نگرش جامعی از کرامت و حقوق کودکان را سال‌ها قبل از تدوین کنوانسیون ارائه داده است که می‌تواند زمینه حفظ کرامت و حقوق کودک را به‌طور کامل و با تمام ابعاد فراهم کند. از این‌رو، ضروری است با مدوّن کردن این دیدگاه و ارائه آن به جامعه جهانی، و تلاش برای تبدیل کردن آن از دیدگاه مستور در روایات به سیاست‌های عملی، زمینه اجرای آن فراهم شود. با توجه به اینکه، آموزه‌های رضوی با مبانی عقلی و مفاهیم

بنیادین حقوق کودک در کنوانسیون حقوق کودک معارض نیست، می‌توان با ترکیب اصول مشترک و اضافه کردن محاسن و نقاط قوت هر یک بدون تعصب نظری، مفهوم‌سازی نوینی از حفظ کرامت و حقوق کودک ارائه داد، که براساس آن نظامی نوین و قابل اجرا و با آسیبی کمتر برای حفظ حقوق کودکان ارائه شود.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. آذرپندار، احمدرضا (۱۳۹۷). حقوق کودک پناهجو با تمرکز بر اتحادیه اروپا، چاپ اول، تهران: شاپرک سرخ.
۳. ابن منظور، ابوالفضل محمدبن مکرم (۱۴۰۸ق)، لسان العرب، ج ۱۲، چاپ اول، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴. احمدی نژاد، مریم، امین الرعایا، یاسر و گنج بخش، یاسر (۱۳۹۵). «برده داری سنتی و مدرن در حقوق بین الملل و اندیشه اسلامی؛ با نگاهی به وضعیت زنان و کودکان»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۱، صص ۵۲-۲۳.
۵. حسینی اکبرنژاد، حوریه و هاله (۱۳۹۲). تحلیل کنوانسیون حقوق کودک (مقایسه دو نظام اسلام و غرب)، تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۴۶). ترمینولوژی حقوق، چاپ اول، تهران: کتابخانه ابن سینا.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷). فلسفه حقوق بشر، قم: اسراء.
۸. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۳۸۳ق). تغییرنورالثقلین، ج ۱، قم: مطبعه العلمیه.
۹. خمینی، روح الله (۱۴۲۵). تحریرالوسیله، ترجمه علی اسلامی، ج ۳، چاپ ۲۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه. دالمایر، فرد (۱۳۸۴). راه های بدیل: فراسوی شرق شناسی و غرب شناسی. ترجمه فاطمه صادقی و تاجیک. آبادان: پرسش.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت نامه، ج ۱۱، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. راغب اصفهانی، ابی القاسم حسین بن محمد (۱۴۰۴ق). المفردات فی غریب القرآن، چاپ دوم، تهران: نشر کتاب.
۱۲. راگین، چارلز (۱۳۸۸). روش تطبیقی فراسوی راهبردهای کمی و کیفی. ترجمه محمد فاضلی. تهران: آگاه.
۱۳. زر نشان، شهرام و رضوانی مفرد، احمد (۱۳۹۶). «حمایت از حق تغذیه کودک با شیر مادر در اسلام و نظام بین المللی حقوق بشر»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۸، شماره ۲، صص ۶۰۶-۵۸۳.

۱۴. سیاح، احمد؛ فرهنگ جامع، تهران: کتابفروشی اسلام، ۱۳۳۰ ه.ش، ج ۳ و ۴.
۱۵. شرفی، محمدرضا (۱۳۹۴). تافصل گل شدن، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۶. شکوهی‌یکتا، محسن (۱۳۷۳). تعلیم و تربیت اسلامی؛ مبانی و روش‌ها. تهران: وزارت آموزش و پرورش دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی.
۱۷. طائی‌بصری، احمدبن‌عامر (۱۴۰۶ق). صحیفه‌الرضا، منسوب به حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع)، تحقیق محمد مهدی نجف، کنگره جهانی امام‌رضا(ع).
۱۸. صالحی، صغری و سروری‌مجد، علی (۱۳۹۵). «نقش مولفه‌های کرامت در کمال انسان از منظر امام‌رضا(ع)»، فرهنگ رضوی، سال سوم، شماره ۱۳، صص ۹۳-۱۲۰.
۱۹. صدیق‌سروستانی، ر.ا (۱۳۷۵). «کاربرد تحلیل محتوا در علوم اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، دوره جدید، شماره ۸.
۲۰. صفری، علیرضا (۱۳۸۸). «معنا و مفهوم خودباوری و انواع خودباوری»، مجموعه مقالات کنفرانس نخبگان فرهنگی، خودباوری در فرهنگ اسلام و ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گنبدکاووس.
۲۱. عطاردی، عزیزالله (۱۴۰۶ق). مسند الامام‌الرضا، مشهد: آستان قدس.
۲۲. عطاردی، عزیزالله (۱۳۹۷ق). اخبار و آثار امام‌رضا(ع)، تهران: کتابخانه صدر.
۲۳. غلامعلی، علی و جعفری، افشین (۱۳۹۹). «مولفه‌های حقوق شهروندی کودکان در سیره رضوی»، فرهنگ رضوی، سال ۹، شماره ۳۴، صص ۱۶۵-۱۸۳.
۲۴. قرشی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۶۱). قاموس قرآن، جلد ۳ و ۴، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. کلینی، محمدبن‌یعقوب (۱۴۰۷ق). اصول‌الکافی، ج ۴، ۶ و ۸، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
۲۶. لیتل، دانیل (۱۳۷۳). تبیین در علوم اجتماعی - درآمدی بر فلسفه علم الاجتماع. ترجمه عبدالکریم سروش.
۲۷. محب‌علی، امیرحسین و همکاران (۱۳۹۸). تفسیر حقوق کودک در آئینه نظریه‌های کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش.
۲۸. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۷). مرآة‌العقول، ج ۲۱، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.

۲۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). بحار الانوار، ج ۵، ۵۰ و ۱۰۱، چاپ سوم، بیروت: موسسه الوفاء.
۳۰. مظفری، حسن (بی تا). معارف رضویه، مشهد: انتشارات صحافیان.
۳۱. نوروزی خیابانی، مهدی (۱۳۷۴). فرهنگ اصطلاحات سیاسی، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
۳۲. نوری طبرسی، حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل، ج ۸ و ۱۵، بیروت: آل البیت.
۳۳. نیکنمایی، ندا، آقایی، علی اصغر و کاظمی، سارا (۱۳۹۲). «خسونت خانگی؛ نقض کرامت ذاتی کودک و راهکارهای مقابله با آن در اندیشه حقوقی اسلام»، تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، شماره ۲۲، صص ۹۶-۷۷.
۳۴. هولستی، آل. آر (۱۳۸۰). تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، چاپ دوم، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
35. Follmar Otto, Petra and Rabe. H.(2009). "Human Trafficking in Germany". Berlin: German Institute For human Rights.
36. Global Report of International Dimensions of the Sexual Exploitation of Children. (2001). UNESCO.
37. 38. Myres S. McDougel et al.(1980). "Human Rights and World public order", Yale University Press; 1st Edition.
38. O'Donnell, dan.(2006). "child protection: A HandboCK for parliamentarians", Switzzland, SRO-Kunding.
39. Ryken, C and Volder E.D.(2009). "The European union sstruggle to realize a human rights-based approach to trafficking in human beings". Connecticut Journal of International Law. 25: 49-79.
40. Skrivankova, K.(2006). "Combating trafficking in human beinge". Intemational Review of Law Computers & Technology". 20(1), 229-232.
41. Cavanagh, S. (1997). "Content analysis: concepts. Methods and applications". Nurse Researcher, Vol 4(3).
42. Todres J. & King, SM. (Editors), (2020). The Oxford Handbook of Children's Rights Law. Oxford University Press.